

محسن‌بوالحسنی  
خبرنگار

شروع و شیوع ویروس کرونا، تقریباً تمامی حوزه‌های فرهنگی و هنری را دستخوش یک نوع ایستایی و از کار افتادگی کرد که همچنان نیز ادامه دارد و روزبه‌روز آسیب‌های آن بیشتر و بیشتر بدنه نه‌چندان قوی حوزه‌ای مثل تئاتر را مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد. در این بین، فعالان این حوزه هر کدام به‌اندازه‌ای سعی کردند خلاهای موجود در این زمینه را با استفاده از فناوری‌های امروزی چه در قالب تئاتر آنلاین و... و چه در حوزه آموزش‌های آنلاین پر کنند. این اتفاق‌ها در محدودیت اگرچه در اصل، اتفاقاتی بود قابل احترام اما بسیاری نیز معتقد هستند که نباید با نگاهی یکسره مثبت به آنها نگاه کرد. عطاالله کوپال، مدرس دانشگاه و کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» از اهمیت آموزش و شیوه‌ها و چالش‌های آن از گذشته تا امروز سخن می‌گوید.

## عطاالله کوپال در گفت‌وگو با «ایران» از چالش‌های آموزش در تئاتر می‌گوید

# حکایت مشتاقی و مهجوری

■ **پاندمی کرونا اگر چه آسیب‌های فراوانی به حوزه‌هایی مثل فرهنگ و هنر (به‌خصوص تئاتر) وارد کرد اما می‌توانست فرصت‌هایی را ایجاد کند که مادر این وضعیت به زیرمجموعه‌هایی از تئاتر فکر کنیم که اتفاقاً شاید سال‌هاست آن طور که باید و شاید مورد مذاقه قرار نگرفته است. یکی چطور می‌توانستیم این فرصت را ایجاد کنیم و آیا به عقیده شما چنین فرصت و بستری در این ۹ ماه اخیر فراهم شد یا خیر؟**

همه‌گیری کرونا باعث شده که دست اندرکاران تئاتر عموماً خانه نشین شوند. مهیا نبودن شرایط کار عملی، به ناگزیر اهالی تئاتر را بیشتر به سوی مطالعه و پژوهش کشانده است. این رخداد، در عمل بفرآیند آموزش تئاتر نیز تأثیر گذاشته است و اگرچه تئاتری‌ها با محرومیت از صحنه، سختی معیشت و دوری از تماشاگران و مشتاقان هنر نمایش مواجه شده‌اند، اما در عین حال، بسیاری از آموزشگاه‌های تئاتری با وجود شرایط ویژه و استثنایی، از علاقه مندان و هنرجویان هنر نمایش خالی نشده و این برای ما تئاتری‌ها بسیار لگرم کننده است.

■ **اصولاً تعبیر و تعریف درست از آموزش چیست؟ در روزگاری که هر کسی به‌هر سطح و دانشی و صرفاً با داشتن یک صفحه اینستاگرامی یا به حوزه تدریس می‌گذارد؛ چگونه می‌شود سره را از ناسره یک مدرس و یک کارگاه خوب تشخیص داد و درباره‌اش به اعتماد و اطمینانی رسید؟**

قبل از اینکه در باره کیفیت آموزش تئاتر در شرایط کنونی حرف بزنم، مایلم به اختصار اشاره‌ای به پیشینه آموزش تئاتر در یکصد سال اخیر در ایران داشته باشم. از هنگامی که تماشاخانه مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۶ خورشیدی تأسیس شد و تئاتر به شیوه اروپایی، به‌صورت جدی در ایران رواج یافت، هنرمندان تئاتر همواره این موضوع را مورد توجه قرار دادند که در کنار کار عملی و اجرای نمایش، آموزش تئاتر نیز به شیوه‌ای

علمی در ایران پایه‌گذاری شود. از حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی، همه گروه‌های تئاتری در کنار فعالیت‌های حرفه‌ای خودشان، برنامه‌هایی هم برای تربیت بازیگر داشتند. از جمله: کانون ایران جوان، کلوب موزیکال، تئاتر جامعه باربد، تئاتر سیروس، تئاتر نکبسا، تروپ نوشین و گروه‌هایی مانند اینها نیروهای هنری مورد نیازشان را خودشان تربیت می‌کردند. اولین مرکز جدی آموزش تئاتر با عنوان کلاس‌های تئاتر شهرداری تهران با مدیریت علی دریابیکی (که در آلمان تحصیل کرده بود)، در ۱۳۱۵ تأسیس شد و اینگونه شد که در رؤیای برپایی یک مرکز جدی آموزش تئاتر در ایران تحقق پیدا کرد. سه سال بعد در ۱۳۱۸ به همت سید علی نصر، هنرستان هنرپیشگی افتتاح شد و ۲۰ سال به‌کار خود ادامه داد تا اینکه جای خود را در ۱۳۳۸ به هنرستان آزاد هنرهای نمایشی سپرد که به همت دکتر مهدی فروغ تأسیس شده بود و همین هنرستان پنج سال بعد در ۱۳۴۳ جای خود را به اولین دانشکده هنرهای نمایشی ایران سپرد، به‌نام دانشکده هنرهای دراماتیک، که خود من هم در آنجا تحصیل کردم و افتخار شاگردی دکتر فروغ را داشتم. بعد از تأسیس این دانشکده، آموزش تئاتر شکلی آکادمیک یافت و به استانداردهای جهانی نزدیک شد.

■ **آن زمان هم آموزشگاه‌ها به کثرت امروز وجود داشتند؟** تأسیس آموزشگاه‌های تئاتری پیش از انقلاب، رواج چندانی نداشت. فقط می‌توانم به آموزشگاه تئاتر آناهیتا اشاره کنم که به همت مصطفی اسکویی (یکی از شاگردان عبدالحسین نوشین) از سال ۱۳۳۷ به‌طور رسمی کار خود را آغاز کرد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آموزشگاه‌های آن دوره با شاید تنها آموزشگاه، مطرح بود. بسیاری از بازیگران بزرگ تئاتر و سینمای ایران در این مؤسسه، آموزش دیدند. خوشبختانه پس از انقلاب با شکل‌گیری مؤسسات فرهنگی هنری، کار اصلی این گونه مؤسسات بر آموزش هنر و از جمله بر آموزش تئاتر متمرکز شد.

■ **می‌شود این گسترش کمی را از لحاظ کیفی نیز مثبت ارزیابی کرد؟**

نگاه من به این گسترش کمی مثبت است. خب البته همان‌طور که اشاره کردید، گاهی اوقات سطح آموزش در این آموزشگاه‌ها نازل است. گاهی هم می‌بینم کسانی با تبلیغ در یک صفحه اینستاگرامی بنای تدریس می‌گذارند و هنرجو جذب می‌کنند. اما بحث اصلی بر سر دانش و تجربه کافی مدرسان چنین کلاس‌هایی است. هر کس که در چند تئاتر بازی کرد یا در تعدادی فیلم سینمایی و سریال نقش آفرینی کرد، نمی‌تواند ادعا کند که اهلیت و قابلیت این را دارد که این هنر را به دیگران بیاموزد. استاد، به معنای واقعی در این عرصه کسی است که خود، در محضر و در نزد استاد دیگری آموزش دیده باشد. از این گذشته طی ۱۰۰ سال اخیر نظریه‌های گوناگونی در سبهر دانش کلی تئاتر در جهان ظهور کرده. بنابراین بحث آموزش تئاتر از یک سو به شالوده‌های اصلی این هنر می‌پردازد و از سوی دیگر به این نکته که هر آموزشگاهی با نگرش به کدام رویکرد یا کدام سبک یا کدام روش تئاتری معاصر، به هنرجویان خود آموزش می‌دهد.

■ **نقش و وظیفه فضاهای آکادمیک و دانشگاه‌ها در این بین چیست؟**

وظیفه دانشگاه عبارت است از فرآیند آماده‌سازی دانشجو برای تبدیل شدن به فردی که توانایی تولید دانش نظری در عرصه تئاتر را داشته باشد. به‌عبارت دیگر فرق دانشجوی تئاتر در دانشگاه با هنرآموز تئاتر در آموزشگاه‌ها، در این است که دانشجوی تئاتر توانایی و قابلیت این را می‌یابد که در عرصه هنرهای نمایشی پژوهش کند. اگر اکنون جای این تحقیق در دانشگاه‌ها خالی است، نشانه آن است که دانشگاه هنوز به وظیفه و رسالت اصلی خود دست نیافته است. غالباً دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد هنرهای نمایشی، عرصه پژوهش را صرفاً در چارچوب نوشتن پایان‌نامه خود محدود می‌کنند و چه بسا

این پایان‌نامه‌ها پس از جلسه دفاع و انتقال به کتابخانه دانشگاه، دیگر مورد رجوع کس دیگری قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه آن دیگری هم بخواهد پایان نامه بنویسد و به‌عنوان منبع به این آثار مراجعه کند. این نقطه ضعف دانشگاه است. یعنی در واقع دانشگاه باید علمی را تولید کند که این علم، مورد کاربرد آموزشگاه‌ها در بیرون قرار بگیرد و هر آموزشگاهی باید بی‌صرانه منتظر یک پژوهش جدید از درون دانشگاه‌ها باشد تا آن را آزمایش کند و به‌کار ببندد.

■ **در این مدت آموزشگاه‌های متعددی خارج گونه رشد کردند که واقعاً علاقه‌مندان تئاتر که اطلاع کمی دارند نمی‌دانند با این نام چه کنند؟ برای ساماندهی و سطح‌بندی چنین آموزشگاه‌ها و کارگاه‌هایی چه در فضای بیرونی چه در فضای مجازی چه می‌توان کرد؟** من با اصطلاح آموزشگاه‌هایی که مثل قارچ رشد کرده‌اند، موافق نیستم. اصولاً با بدبینی به این رشد کمی نگاه نمی‌کنم. اینکه تعداد آموزشگاه‌ها زیاد شده نباید موجب نگرانی ما بشود. اشکال کار در این است که کار این آموزشگاه‌های متعدد هرگز و در هیچ‌کجا مورد نقد قرار نمی‌گیرد. ایراد عمده در اینجا است که خروجی این آموزشگاه‌ها در هیچ مورد ارزیابی کیفی قرار نمی‌گیرد. در واقع در اینجا پدیده نقد، غایب است؛ وگرنه اینکه آموزشگاه‌ها کمیت بیشتری بیابند، به‌نظر من جای خوشحالی است. اما اینکه این آموزشگاه‌ها در حال حاضر، در چه سطح و کیفیتی به کار آموزش می‌پردازند، بحثی است که باید توسط مطبوعات و عموم رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی مورد بررسی تخصصی و علمی قرار گیرد.

بنابراین کثرت آموزشگاه‌های حضوری یا حالا در شرایط کرونا، آموزشگاه‌های مجازی به نظر من، اصلاً نگران‌کننده نیست. بحث بر سر این است که روی خروجی این آموزشگاه‌ها چقدر کار انتقادی صورت گرفته و اصولاً چه کسی باید این کار را بکند؟ من با هر گونه نظارت مرکزی و ایجاد انواع محدودیت و صدور بخشنامه‌های

کارگاه آموزشی تئاتر در تهران با حضور ژان لویی اکل، کارگردان فرانسوی

یعنی در واقع از درون و از دل اینگونه بحث‌ها است که پیشرفت‌های علمی و حرفه‌ای حاصل می‌شود. از میان درهای گشوده است که می‌توان به افق‌های روشن چشم دوخت، وگرنه پشت درهای بسته، هیچ افقی وجود ندارد. با به کارگیری نقد روش‌ها و شیوه‌های آموزشی است که بی‌گمان اندیشه‌های تازه متولد می‌شود.

■ **آیا کلاس‌های آنلاین شرایط را برای آموزش فراگیر در سراسر ایران هموار نکرده است؟** من از یک جهت فکر می‌کنم کرونا در عرصه آموزش شرایط جدیدی پدید آورد. تا پیش از این تمرکز همه استادان معتبر در تهران بود. اینک که شرایط به‌گونه‌ای است که نمی‌توان کلاس حضوری برگزار کرد و اغلب آموزشگاه‌ها به این سو روی آورده‌اند که کلاس‌های خود را به‌صورت آنلاین برگزار کنند. من گاهی متوجه می‌شوم در بعضی از کلاس‌های آنلاین، از دورترین نقاط

ایران شاگردانی حضور می‌یابند. البته تدریس درس‌هایی مثل نمایشنامه نویسی، داستان نویسی، ویرایش، نگارش خلاق، نقد ادبی و مانند اینها به‌صورت آنلاین کار دشواری نیست، اما در همین راستا، کار آموزش بازیگری و کارگردانی بسیار دشوارتر است. ما ناگهان با وضعیت جدید رویه‌ور شده‌ایم که نیازمند تجرب تجارب تازه‌ای برای آموزش است. شرایط کنونی، استادان بازیگری و کارگردانی یا طراحی صحنه را در وضعیت قرار داد که مجبور شوند به‌صورت غیرحضوری، هنرجویان خود را هدایت کنند و به‌صورت غیر حضوری مجبور شوند به دانشجویان طراحی صحنه یک کار عملی را آموزش دهند. به‌نظر من این تجربه بی‌نظیری بود. این تجربه به ما یاد داد که باید شیوه‌های جدیدی برای آموزش ابداع کنیم. راه‌های نوینی باید بیابیم تا شاگردانمان بتوانند تئاتری بی‌پایندگی داشته‌اند. این گونه که مشاهده کرده‌ام هر یک از استادان در این راه تجربه‌های منحصر به فردی کسب کرده‌اند.

کارگاه آموزشی تئاتر در تهران با حضور ژان لویی اکل، کارگردان فرانسوی

کرونا در عرصه آموزش شرایط جدیدی پدید آورد. تا پیش از این تمرکز همه استادان معتبر در تهران بود. اینک که شرایط به‌گونه‌ای است که نمی‌توان کلاس حضوری برگزار کرد اغلب آموزشگاه‌ها به این سو روی آورده‌اند که کلاس‌های خود را به‌صورت آنلاین برگزار کنند



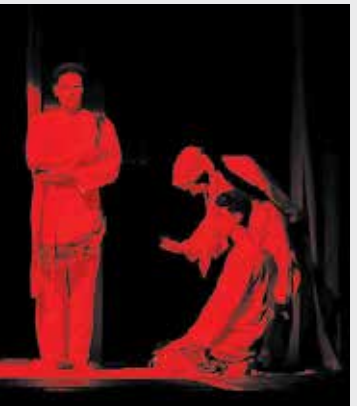
توأم با تهدید به تعطیلی، به‌منظور بهبود کیفی آموزشگاه‌های تئاتری مخالفم. بلکه معتقدم کار هر آموزشگاهی باید توسط متخصصان فن، مورد نقد قرار گیرد. پدیده بررسی و نقد شیوه آموزش در هر آموزشگاهی، به مثابه و به منزله به خطر انداختن موجودیت آن آموزشگاه و خدشه‌دار کردن امنیت حرفه‌ای آن نیست.

## فکر کنیم پساکرونایی وجود ندارد

زندگی خواهیم کرد و ممکن است با واکسن برطرف شود یا نشود اما ما نمی‌توانیم معطل آن بمانیم. افراد اگر این باور را داشته باشند که پساکرونایی وجود ندارد در این حوزه سریع‌تر فعال می‌شوند. از طرفی باید باور کنند فضای مجازی فقط جای چت و... نیست و می‌شود در این شبکه‌ها از امکانات ویدئویی و صوتی استفاده و آثاری ارائه کرد که حالا گرییم اسم‌باش را تئاتر نگذاریم و هر اسمی دوست داشتیم روی آن بگذاریم. واقعاً چه اهمیتی دارد اسم این محصول چه باشد؟ اسم مهم نیست. مهم این است که هنرمند بتواند توانایی خود را عرضه کند

و عده‌ای هم ببینند و لذت ببرند و مایه‌آزای این انداد هزینه‌ای پرداخت کنند. ساختمان تئاتر و... مهم نیست بلکه شکل‌گیری این پروسه مهم است. اگر این باورها به وجود بیاید به نظر من هنر و توانایی‌هایی لازم برای رشد تئاترهای تک نفره و نمایش‌های متناسب با شبکه‌های اجتماعی بسیار فراهم است و افراد می‌توانند در این فضا جا بیفتند و کارهای بسیار خوبی ارائه دهند. برخی از این فضاهای مجازی این امکان را برای نمایش‌های خاص دو سه نفره هم فراهم می‌کند که من و همکاران دنبالش هستیم که فضای ایجاد کنیم به‌نام «استودیو تئاتر سه‌تاس» که در آنجا نوع خاصی از تئاتر را می‌شود به نمایش گذاشت. این امکان برای همه وجود خواهد داشت و همه می‌توانند از

فضای مجازی استفاده کنند و متأسفانه در این ۹ ماه از این فضاها ایجاد نشد و همه انتظار غیرواقع‌گرایانه‌ای داشتند که به سرعت کرونا تمام می‌شود و ما دوباره به دوران طبیعی گذشته برمی‌گردیم و نیازی به این شبکه‌های اجتماعی نداریم. ضمن اینکه بزرگان این عرصه هم به این حوزه نپرداختند و این واقعیت است که وقتی سن بالا می‌رود، محافظه کاری می‌شوند و بسیاری‌شان گفتند مگر ممکن است در فضای مجازی تئاتر کار کرد و جوان‌ترها از آن پیروی کنند اما واقعیت این است که بله این کار شدنی است و در تمام دنیا هم چنین کاری را انجام می‌دهند و شکی به آن ندارند.



هرگونه اتفاقی که برای بشر می‌افتد مشکلات و فرصت‌هایی را توأمان برای بشر ایجاد می‌کند و بستگی دارد انسان امروز چگونه از این فرصت‌ها استفاده می‌کند. پاندمی کرونا نیز یکی از همین اتفاقاتی بود که فرصت‌ها و البته مشکلات بسیاری برای همه مردم جهان ایجاد و بسیاری را منفعل کرد و بخشی از مردم به پساکرونا فکر کرده و خود را برای آن زمان آماده کردند اما آدم‌های باهوشی هم هستند

که از هر فرصتی استفاده می‌کنند و خود را با شرایط تطبیق می‌دهند. به شخصه وقتی پاندمی کرونا مطرح شد به دکتر قادر آشنا گفتم این فرصت خوبی است تا یکی از بزرگترین اتفاقات در تئاتر رقم بخورد و آن شرایط ایجاد اثر نمایشی در فضای مجازی است که می‌تواند به‌صورت ضبط و پخش تله‌تئاتر یا شیوه‌های دیگر باشد. خاصیت بسیاری در این مسأله وجود دارد، یکی از آنها این است که فضای مجازی این امکان را دارد که به‌دلیل گستردگی و دسترسی بودن و همه‌گیر بودنش اشتغال زیادی ایجاد کند و بسیاری از هنرمندانی که در صف اجرا هستند به راحتی می‌توانند

در این فضا کار خود را ارائه بدهند و تماشاگر خود را داشته باشند و از همین مسیر هم می‌توانند بخشی از هزینه‌هایشان را تأمین کنند. این امکان بحث اشتغال فارغ‌التحصیلان را حل و از طرفی از فشاری که روی مرکز هنرهای نمایشی -که امکان محدودی به لحاظ سالن در اختیار دارد- را کم می‌کند. از سوی دیگر باید به این نکته توجه کنیم که ما در قرن بیست‌ویکم زندگی می‌کنیم و ما هم باید رفتار قرن بیست‌ویکم‌ی داشته باشیم متناسب با امکاناتی که در اختیار داریم. در نهایت این کار امکان‌پذیر است اما زمان‌بر است و این زمان‌بری به این دلیل است که باید باور کنیم که پساکرونا دیگر وجود ندارد و با کرونا

نگاه موافق:



اسمعیل شفیع‌هی  
رئیس دانشکده  
سینما تئاتر

نگاه مخالف:



هماچیدیکار  
مدرس و کارگردان  
تئاتر عروسکی